

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تدبر در قرآن

سوره مبارکه شمس

استادضرابی فروردین ۱۴۰۰

جلسه اول ۴۰۰/۱/۱۱

آیه شریفه: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» به نام خداوند رحمتگر مهربان»

عنوان: طلّیعه هدایتی بالاتر

طلوع یک صبح جدید و طلّیعه یک هدایت بالاتر را که با اسم محبوب و نوید رحمتش آغاز می‌شود، پیشواز رفته، شکر می‌گزاریم. قبل از آنکه وارد شهر زیبای سوره مبارکه شمس شویم و از دیدنیها و زیباییهای اسرارش از نزدیک بهره‌مند شویم، نمای بیرونی آن را که یک جلوه‌ای دیگر از برکات «بسم الله الرحمن الرحيم» است را به تماشا می‌نشینیم.

موضوع محوری این سوره شریفه را از تطبیق اولین و آخرین آیه بدست می‌آوریم که با یک معنا و دو چهره خود را نشان می‌دهد؛ خورشید و ماه از زوایای مختلف، چهره‌های مختلفی دارد که به طور عمده به صورت جنبه جمالی و جلالی صفات حق ظاهر می‌شود؛ از یک نظر نور است و وجود حیات و زندگی، از یک نظر حرارت است سوزاندن و آتش و درد و عذاب. بسته به این است که چه مواجهه‌ای با آن داشته باشی؛

در روایتی از امام رضا (سلام الله علیه) درباره نخستین آیه سوره مبارکه شمس می‌خوانیم که فرموده‌اند: «إِنَّ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ آيَتَانِ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ يَجْرِيَانِ بِأَمْرِهُ مُطِيعَانِ لَهُ، ضَوْوُهُمَا مِنْ نُورِ عَرْشِهِ وَ حَرُّهُمَا مِنْ جَهَنَّمَ فَإِذَا كَانَتِ الْقِيَامَةُ عَادَ إِلَى الْعَرْشِ نُورُهُمَا وَ عَادَ إِلَى النَّارِ حَرُّهُمَا». - خورشید و ماه دو موجود از آفریده‌های خدایند که به دستور او در گردشند و اطاعت از او می‌کنند، نور آنها از نور

عرش و حرارت آن دو از حرارت جهنم است، روز قیامت نور آن دو به عرش برمی‌گردد و حرارت آن‌ها به آتش جهنم.» (الکافی، ج ۳، ص ۲۰۸)

سیرِ سپهر و دور قمر را چه اختیار در گردشند بر حسب اختیار دوست

عنوان: قاعده در شناخت اسرار طبیعت

خورشید مظهر و کلمه‌ای از کلمات الهی است که بازگو کننده تصویری روشن از حقایق بالاتر وجود است مطابق با یک قاعده‌ی کلی که صادق آل محمد (صلی الله علیه و آله) آن را چنین بیان نموده است:

« إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ خَلَقَ مُلْكُهُ عَلَى مِثَالِ مَلَكُوتِهِ، وَ أَسَسَ مَلَكُوتُهُ عَلَى مِثَالِ جَبْرُوتِهِ لِيَسْتَدِلَّ بِمُلْكِهِ عَلَى مَلَكُوتِهِ وَ بِمَلَكُوتِهِ عَلَى جَبْرُوتِهِ - هَمَانَا خَدَاوَنَد عَزَّ وَجَلَّ عَالَم مُلْك خَوِيش را به سان ملکوتش آفرید ؛ و ملکوتش را به سان جبروتش تأسیس نمود تا با ملکش به ملکوتش استدلال کند(یا استدلال شود) و با ملکوتش بر جبروتش. (منهاج النجاح فی ترجمة مفتاح الفلاح ، مقدمه ۲، ص ۲۶)

از آیات و روایات این طور استفاده می‌شود که خداوند تبارک و تعالی در اولین تجلی خود، حقیقتی را خلق کرد که مظهر و خلیفه خداست و آن نور اهل بیت (علیهم‌السلام) است.

به تعبیر امام عصر (عج): «لَا فَرْقَ بَيْنَكَ وَ بَيْنَمَا إِلَّا أَنَّهُ عِبَادُكَ - بَيْنَ تُو وَ أَنَهَا فَرْقِي نِيَسْت، مَگر اینکه آنان بندگان و آفریدگان تواند». (زیارت رجبیه)

خداوند از این نور، سایر عوالم و موجودات را خلق می‌کند، مثل عالم جبروت که عالم عقل است. عالم مجردات، عالم ملکوت، عالم برزخ و عالم ناسوت. معنایش این است که خداوند حقایق عالم تجرد را که ماده و شکل و صورت ندارد در مراتبی از تنزل به صورت موجوداتی آفرید که همان حقایق را در قالب شکل و صورت ملکوتی نشان می‌دهد که مادی نیستند و در نهایت مرتبه تنزل آنها را به صورت موجوداتی مادی و طبیعی آفریده است که با شناخت آن می‌توان راهی به معرفت عوالم بالاتر یافت.

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «إِنَّ مَعَ الدُّنْيَا آخِرَةً وَ الْآخِرَةُ مُحِيطَةٌ بِالدُّنْيَا - همراه دنیا آخرت است و آخرت احاطه دارد بر دنیا». (بحار الأنوار ج ۳۰ ص ۵۳ / إرشاد القلوب ج ۲ ص ۲۹۹).

اگر خوب به این تعبیر رسول مکرم اسلام توجه شود، آخرتی که محیط به دنیا است معنایش این می‌شود که دنیا مانند رحم مادر و عالم بیرون از رحم مادر که به مادر و درونش احاطه دارد آخرت است.

عواالم مجرد که محیط به دنیا هستند. هیچ فاصله مکانی و زمانی ندارند و معنای دیگرش این است که ما هم اکنون در برزخ و قیامت هستیم اما از آن محجوبیم و آیه شریفه که می‌گوید «إِنَّ السَّاعَةَ لَآتِيَةٌ - قیامت خواهد آمد» (غافر / ۵۹)

نسبت به زندانیان در حجاب طبیعت است اما نسبت به پیامبر عظیم الشان اسلام و آنها که از این حجاب رها هستند بنا بر تعبیر آن حضرت: «بُعِثْتُ أَنَا وَ السَّاعَةُ كَهَاتَيْنِ - و أشارَ بِالْوُسْطَى وَ السَّبَّابَةِ - پیامبر خدا صلی الله علیه و آله - پس از آن که دو انگشت نشانه و میانه خود را نشان داد - فرمود: (فاصله زمانی میان) برانگیخته شدن من و قیامت مانند این دو می‌باشد.» (کنز العمال : ۳۸۳۴۸)

سألها دل طلب جام از ما می کرد و آنچه خود داشت ز بیگانه تمنا می کرد

عنوان: تفسیر دیگری از خورشید و ماه

قرآن و روایات در تحصیل معرفت راهنمای اصلی ما هستند؛ امام باقر (علیه السلام) فرمود: «الشَّمْسُ وَ ضُحَاهَا هُوَ مُحَمَّدٌ (صلى الله عليه و آله) - وَالشَّمْسُ وَ ضُحَاهَا؛ منظور از آن محمد (صلى الله عليه و آله) است» (بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۸۹) در روایت دیگر می‌خوانیم که حضرت رسول (صلى الله عليه و آله) می‌فرماید: «مَثَلِي فِيكُمْ مَثَلُ الشَّمْسِ وَ مَثَلُ عَلِيٍّ مَثَلُ الْقَمَرِ فَإِذَا غَابَتِ الشَّمْسُ فَاهْتَدَوْا بِالْقَمَرِ - مَثَل من در میان شما مَثَل خورشید و مَثَل علی (علیه السلام)، مَثَل ماه است، پس چون خورشید ناپدید شد با ماه ره یابید.» (البرهان / ج ۱۸، ص ۱۳۴)

دیدن روی تو را دیده جان بین باید این کجا مرتبه چشم جهان بین من است

نفس قدسی انسان کامل (که در عالم امکان همه موجودات را در زیر چتر فیض و رحمت خود دارد) با ظهور و تنزل در مراتب پایین‌تر وجود، آن طور که شب از روز پدید می‌آید و آن طور که زمین از آسمان پدیدار می‌شود، تنزل می‌کند، به نحوی که نازل‌ترین مرتبه تنزل آن به صورت نفس انسانی در عالم طبیعت ظاهر می‌شود: « وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا * فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا » رابطه انسان کامل با نفس انسان‌های معمولی مانند رابطه خورشید و ما است و یا روز و شب و یا رابطه دنیا و آخرت است؛ یعنی همانطور که اگر خورشید نبود ماه هم نبود و اگر روشنی و روز نباشد شب معنایی ندارد و وجود نخواهد داشت؛ همانطور که اگر آخرت نباشد دنیایی وجود ندارد.

قرآن به ما می‌گوید آنچه که در عالم طبیعت اتفاق می‌افتد، ما توسط فرشته‌ها و کارگزاران عالم ملکوت و غیر آن انجام می‌دهیم.

«أَفَرَأَيْتُمْ مَا تَحْرُثُونَ أَأَنْتُمْ تَزْرَعُونَهُ أَمْ نَحْنُ الزَّارِعُونَ - تخمی که شما می‌کارید، آیا شما آن را رویش می‌دهید یا ما آن را رویش می‌دهیم؟» (سوره واقعه / ۶۳ و ۶۴)

و اگر آسمانی نبود زمین هم نبود. حضرت امیر (سلام الله علیه) فرمود: «... بِقَرَائِنِهَا وَ أَحْنَائِهَا ثُمَّ أَنْشَأَ - سُبْحَانَهُ - فَتَقَّ الْأَجْوَاءَ ، وَ شَقَّ الْأَرْجَاءَ ، وَ سَكَّائِكَ الْهَوَاءَ ، فَأَجَازَ فِيهَا مَاءً مُتَلَاظِمًا تَيَّارُهُ...» - پس از آن خداوند طبقات جو را از هم گشود و اطراف آن را باز کرد و فضاها را خالی ایجاد نمود، و در آن آبی که امواج متلاطم آن روی هم می‌غلطید، جاری ساخت...» (نهج البلاغه/ خ ۱)

ما ز دریاییم و دریا می‌رویم

آنچه از دریا به دریا می‌رود از هر آنجا کامد آنجا می‌رود

عنوان : سوگندها برای چیست؟

همه این آیات طبیعی خداوند در این سوره شریف مورد سوگند خداوند قرار گرفته است تا توضیح دهنده نحوه تنزل انسان کامل و ظهور آن در مرتبه نفس انسان طبیعی باشد که خوب و بد به آن الهام می‌شود « وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا * فَأَلْهَمَهَا

فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا * قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا * وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا - سوگند به نفس و آن کس که آن را درست کرد * سپس پلیدکاری و پرهیزکاری اش را به آن الهام کرد. که هر کس آن را پاک گردانید قطعا رستگار شد * و هر که آلوده اش ساخت قطعا در باخت.»

وجه حقیقت ار شودت منظر نظر دیگر شکی نماند که صاحب نظر شوی

این همه سوگند برای چیست؟ برای روشن شدن این حقیقت که تفاوت خوب و بد، آنچه به انسان القاء می شود مانند تفاوتی است که خداوند میان خورشید و ماه، روز و شب، زمین و آسمان نشان می دهد و حکمت وجود آنها را به نفس ملهمه در وجود من و شما و همه انسان ها پیوند زده، از واقعیت و خطری بزرگی پرده برمی دارد که به صورت عملی در زندگی قوم ثمود به عرصه نمایش درآمده است؛ همان معجزه ناقه صالح که از دل کوه بیرون آمده بود (آن هم مطابق با درخواست قومش که شرط ایمان آوردنشان قرار داده بودند)، این قوم مانند سایر اقوام مورد آزمایش قرار گرفتند.

می دانیم عذاب این قوم وقتی ناقه را طی کردند بخاطر این بود که این ارتباط میان دنیا و جهان آخرت و این همه آیات الهی را که برای هدایت انسان آمده است، انکار کردند؛ حاصل این انکار و بی اعتقادی به روز جزا و پاداش و پیامبران الهی هم، فساد به روی زمین شد که را با پی کردن ناقه، خود را نشان داد. عاقبتی که در خاتمه این سوره شریفه با آیه «وَلَا يَخَافُ عُقْبَاهَا» در معرض دید همگان قرار داده است، آن روی جلالی خورشید انسان کامل است که به امر الهی عقاب می کند و در آخرت آتش سوزان جهنم می شود.

بهشت و دوزخت با توست در پوست چرا بیرون ز خود می جویی ای دوست

عنوان : رحمت بیکرانه « بسم الله الرحمن الرحيم »

آنچه از رحمت بی کران الهی در کلمه طیبه « بسم الله الرحمن الرحيم » در طلیعه این سوره شریفه و این هدایت الهی می طلبیم چیست؟

بعد از آن که بر ایمان روشن شد، کسی که میان خوب و بد افکار و اخلاق و رفتارش را نمی‌فهمد، درست به این معنا است که فرق میان ماه و خورشید، روز و شب و زمین و آسمان را نمی‌فهمد. و این مرتبه از گمراهی که تفاوت میان ظلمت و روشنایی را مورد انکار قرار می‌دهد یا آنکه ظلمت را به روشنایی ترجیح می‌دهد، آنچنان مصادیق متنوعی در بینش و منش و روش زندگانی ما دارد که خارج از حدّ شمارش است و روشن است که بخاطر تعلق خاطر و سرگرمی به لذات فانی و زودگذر دنیا است که به این حدّ از بیچارگی می‌رسیم. از امیرمومنان علیه السلام آمده است: « فَأَرْفُضِ الدُّنْيَا فَإِنَّ حُبَّ الدُّنْيَا يُغَمِّي وَ يُصِمُّ وَ يُبْكِمْ وَ يُذِلُّ الرَّقَابَ... - دنیا را رها کن چون محبت دنیا کور و کر و لال می‌کند ... مانند همیشه دست به دامن الطاف خداوندیش آویختن چاره ساز بنده بینواست. » (الكافی (ط - الإسلامية)، ج ۲، ص: ۱۳۶)

سحر با باد می‌گفتم حدیث آرزومندی خطاب آمد که واثق شو به الطاف خداوندی
دعای صبح و آه شب کلید گنج مقصود است بدین راه و روش می‌رو که با دلدار پیوندی
اَللّٰهُمَّ زِدْنِيْ نُورًا وَ اَعْطِنِيْ نُورًا وَاجْعَلْنِيْ نُورًا بِحَقِّ حَقِّكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ
پروردگارا! نور مرا زیاد فرما و به من نور عطا کن و مرا نور بگردان به حق
خودت ای رحم کننده ترین رحم کنندگان. (جامع الاسرار و منبع الانوار، ص ۵۸۰)
کاروانی که بود بدرقه‌اش لطف خدا به تجمل بنشیند، به جلالت برود